

فلسطین: نا همسازی‌ها ، نومی‌دی‌ها و امیدها

سعید رهنما



صلح واقعی و استقرار یک دولت واقعی فلسطینی زمانی عملی می‌شود که همراه با ادامه مبارزه واقع بینانه و متحد جریانات مختلف فلسطینی، با حمایت نیروهای مترقی و چپ اسرائیل و جهان، نیروهای راست اسرائیلی ناچار به عقب‌نشینی شوند، و یک دولت اسرائیلی طرفدار صلح با حمایت یک دولت مترقی فلسطینی صلحی واقعی و پایدار را به‌وجود آورند.

زندگی تحت اشغال

اورشلیم عجیب‌ترین و دیوانه‌ترین شهر عالم است. در بازارهای تودرتوی شهر قدیمی، یهودیان ارتدکس با گیسره‌های بلند و کلاه بر سر از کنار مردان مسلمان ریشو و زنان محجبه با شتاب می‌گذرند، و مسیحیانی را می‌بینی که صلیب بر دوش رنج مسیح را تجربه می‌کنند. اما اورشلیم بزرگ، که مرزهای کنونی‌اش چندین برابر اورشلیم قبل از ایجاد دولت اسرائیل است، تمام بخش‌های شرقی و غربی‌اش تحت کنترل و "مالکیت" اسرائیل درآمده و دیوار منحوس همراه با شهرک‌های یهودی‌نشین که همچون قارچ از زمین می‌رویند، آنرا از کرانه‌ی غربی رود اردن جدا کرده است. اشتهای دست‌راستی‌های اسرائیل برای بلعیدن زمین‌ها و سلب مالکیت فلسطینی‌ها بی‌انتهاست و حتی مکان‌های مذهبی قبیه الصخره و مسجدالاقصی در قلب شهر قدیمی اورشلیم را نیز دربرمی‌گیرد. درهای ورود به این مجموعه را که مسلمانان "حرم الشریف" می‌خوانند سربازان مسلح اسرائیلی کنترل می‌کنند، اما اجازه‌ی نهایی را دربان‌های مسلمان صادر می‌کنند که کارگزاران سازمان اوقاف اردن هستند. از زمان اشغال کرانه‌ی غربی به دست اردن، همزمان با ایجاد دولت اسرائیل، اوقاف اردن اداره‌ی "حرم" را در دست داشته است. نگهبانان مسلمان عمدتاً از اُمّال اخوان‌المسلمین اردن‌اند و نگران رعایت ادب و مدارای مذهبی و فرهنگی نیستند. به موازات افزایش سیاست تهاجمی اسرائیل، سخت‌گیری و تعصب مذهبی نگهبانان مسلمان "حرم" نیز افزایش یافته است. قبلاً فقط روزهای جمعه از ورود غیر مسلمانان به محوطه‌ی حرم جلوگیری

می‌شد اما حالا شبیه‌ها نیز به این ممنوعیت اضافه شده است.

به علت جلوگیری از ورود همسفر "غیرمسلمان" مان، از سمت دیگری خارج از "حرم" وارد منطقه‌ی دیوار غربی یا "دیوار نُدبه" یهودیان شدیم. یهودیان مذهبی دسته‌دسته در مقابل این دیوار کهن در بخش‌های مجزای مردانه و زنانه مشغول دعا و سر تکان دادن بودند. ظهر شده بود و ناگهان صدای اذان از بلندگوهای مناره‌ی مسجد الاقصی، مسجد اُمر و دیگر مساجد شهر قدیم تمام فضا را پر کرد. از آن دورترها صدای زنگ کلیساها و عبور مسیحیان فرقه‌های گوناگون به گوش می‌رسید.

در درون دیوارهای اورشلیم، دولت اسرائیل به بهانه‌های مختلف محله‌های فلسطینی را مصادره می‌کند. مثلاً، در محله‌ی سیلوان، به بهانه‌ی اکتشافات باستان‌شناسی، فلسطینی‌ها را اخراج کردند و با ایجاد پارکی وسیع آن را "شهر داود" نامیده‌اند. جالب آن‌که به‌رغم همه‌ی زمین‌شکافی‌ها هنوز حتی یک شاهد تاریخی در مورد داود نتوانسته‌اند عرضه کنند. در محل دیگری، بازارچه‌ی بسیار مدرنی بر پا کرده و نام قدیمی "مَامن الله" را به "ماملأ" تغییر داده‌اند. در اورشلیم شرقی، حدود ۳۰۰ هزار فلسطینی عمدتاً مسلمان زندگی می‌کنند. برخی از آن‌ها شهروند اسرائیل‌اند و بسیاری تنها "مقیم" اورشلیم‌اند. با آن‌که آن‌ها از خدمات اجتماعی اسرائیل بهره‌مندند و گاه مورد حسادت برخی دیگر فلسطینیان — چرا که می‌توانند به هر نقطه‌ی کرانه‌ی غربی رفت‌وآمد کنند، در حالی‌که میلیون‌ها فلسطینی از کرانه‌ی غربی حق ورود به اورشلیم را ندارند — اما گروه‌های فقیرتری که توان پرداخت مالیات‌های سنگین اسرائیل را ندارند از حداقل خدمات شهری نیز بی‌بهره‌اند. خیابانی را که دو سال پیش، به‌ظاهر برای کشیدن گاز، زیرورو شده دیده بودیم، امسال نیز در همان حال دیدیم. در بیرون شهر قدیمی و در حاشیه‌ی سمت شمالی آن نزدیکی باب العمود (دروازه دمشق) و به‌سوی شمال شرقی حوالی باب الزهیرا (دروازه هِرود)، محله‌های فقیرنشین فلسطینی را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد. بسیاری از این خانه‌ها و مغازه‌ها متعلق به اوقاف اردن است و ساکنان آن‌ها کرایه‌ی خود را به اوقاف اردن می‌پردازند و دولت خودگردان فلسطین کوچک‌ترین اختیاری در مورد آن‌ها ندارد. همان‌طور که اشاره شد کنترل درهای ورودی "حرم" را نیز همین اُمال اوقاف اردن اداره می‌کنند.

دولت اسرائیل به بهانه‌های مختلف از بازگشت فلسطینی‌های اورشلیم که به هر دلیل به مدتی طولانی شهر را ترک کرده‌اند جلوگیری می‌کند. هر آن کس که "غایب" محسوب شود خانه و یا اتاق مسکونی‌اش را از دست

می‌دهد. خانه‌ها و فضاهای صادره‌شده‌ی این فلسطینیان به یهودیان "فروخته" می‌شود. از همین روست که در هر سفر به سرزمین فلسطین خانه‌های بیشتری را با پرچم اسرائیل در قلب شهر کهنه، حتی در نزدیکی گنبد طلایی دیده‌ایم. جمعیت یهودی اورشلیم شرقی هم اکنون به نزدیک ۱۹۰ هزار نفر رسیده است.

رشد سریع راست افراطی به‌ویژه یهودیان اولترا ارتدکس در اسرائیل موقعیت فلسطینی‌ها را به مراتب سخت‌تر کرده است. این یهودیان افراطی که حتی مورد خشم دیگر یهودیان هستند، نه کار می‌کنند نه مالیات می‌پردازند، و روزها و شبها را به دعا می‌گذرانند. متوسط خانوار آنها هشت نفر است. چند سال پیش جمعیت آنها در اسرائیل کم‌تر از ۲۰۰ هزار نفر بود و حالا بیش از ۷۰۰ هزار نفر، یا حدود ۱۲ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. احزاب مذهبی اسرائیل، که به‌خاطر سیستم سیاسی "نماینده‌ی نسبی"، به‌رغم شمار اندک نقش مهمی در سیاست‌گذاری اسرائیل دارند، با حمایت این مذهب‌یون افراطی مدام زندگی را بر فلسطینیان سخت‌تر می‌کنند. در شهر الخلیل (هبرون) ۴۰۰ نفر یهودی افراطی و مسلح، تحت حمایت ۱۲۰۰ سرباز اسرائیلی، بیش از ۱۵۰ هزار سکنه‌ی فلسطینی شهر را تحت کنترل دارند. بسیاری مغازه‌های بسته‌ی بازار قدیمی شهر و زیاله‌هایی که این جماعت خشن بر سر رهگذران می‌ریزند و تحقیرهایی که فلسطینی‌های این شهر تحمل می‌کنند، خشم و نفرت هر انسانی را بر می‌انگیزد.

پیشروی اسرائیل در سایر نقاط کرانه‌ی غربی نیز ادامه دارد. بیش از ۱۲۰ شهرک (کُلُنی) یهودی هبرون‌نشین نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر مهاجر متعصب یهودی را در سراسر کرانه‌ی غربی در خود جا داده است. در دره‌ی حاصلخیز رود اردن، اسرائیل به بهانه‌های مختلف همه‌ساله محله‌های مسکونی فلسطینی و بدو‌ی‌های ناحیه را تخریب می‌کند. علاوه بر هدف گسترش کلنی‌ها، اسرائیل به بهانه‌ی امنیت مرزها، تمام حاشیه‌ی رود اردن را بر روی فلسطینی‌ها بسته است. دولت خودگردان فلسطین سالی بیش از یک میلیارد دلار را به‌خاطر نداشتن کنترل بر دره‌ی اردن (در قسمت فلسطینی کرانه‌ی غربی) از دست می‌دهد، و این معادل رقمی است که هر سال کسری دارد و مجبور به وام گرفتن است. فلسطینی‌ها به بحر المیت نیز دسترسی ندارند. مهم‌ترین شهر فلسطینی دره‌ی رود اردن، شهر اریحا (جَریکو) است که قدیمی‌ترین شهر همواره مسکونی جهان به شمار می‌رود.

در این سفر از طریق یکی از دوستان فرصتی پیش آمد تا با ماجد الفتیانی استاندار ایالت جریکو دیداری داشته باشیم. او که خود از

اهالی اریحا است، می‌گفت که بیش از ۴۴ سال است که بحر المیت را ندیده است. این در حالی است که نیمی از ساحل شمالی بحر المیت در مرز ایالت اریحا قرار دارد. در مذاکرات دوجانبه، فلسطین خواستار هفت کیلومتر مربع از بحر المیت شده، اما اسرائیل آن را رد کرده است. توضیح می‌داد که کُلنی‌ها چند دهه برابر فلسطینی‌ها آب مصرف می‌کنند، و آبشان مجانی است، حال آن‌که فلسطینی‌ها باید بخش زیادی از آب را از اسرائیل خریداری کنند. در مذاکرات به اصطلاح صلحکه هم‌اکنون با فشار امریکا در جریان است، اسرائیل رسماً خواستار کنترل کامل مرز رود اردن در کرانه‌ی غربی شده است. مذاکره‌کنندگان فلسطینی گفته‌اند که اگر اسرائیل واقعاً نگران امنیت این مرز است، آن‌ها حاضرند حضور یک نیروی پاسدار بین‌المللی را در این ناحیه بپذیرند. اما اسرائیل که بهانه‌ی اصلی‌اش حفظ و بهره‌برداری از این دره‌ی فوق‌العاده حاصلخیز است، این پیشنهاد را نپذیرفته است. به گفته‌ی استاندار اریحا در بیست سال گذشته حتی یک "حادثه‌ی امنیتی" در این مرز اتفاق نیفتاده، چرا که اردن نیز در کنترل این مرز بسیار سخت‌گیر بوده است.

در دیگر نقاط کرانه‌ی غربی نیز اسرائیل در حال خفه‌کردن فضای فلسطینی‌هاست. در شهر بیت اللحم (بتلهم) که یک شهر فلسطینی است و به‌خاطر وجود کلیسای تولد مسیح (کنیسه المهد)، از مراکز مهم گردشگری بوده، اسرائیل به کمک جریان‌ات دست‌راستی مسیحی در جهان غرب، عملاً کنترل تمام تورها را در دست گرفته و مانع از ماندن توریست‌ها در هتل‌های این شهر که در حال ورشکستگی‌اند، می‌شود و حتی وقتِ بازدید و خرید از بازار شهر را نیز نمی‌دهند. این شهر تاریخی مهم در شرایط اقتصادی سختی روزگار می‌گذراند.



تغییر و تحول جامعه‌ی فلسطین

رام الله، پایتخت اداری و مرکز اقتصادی فلسطین با سرعتی باورنکردنی در حال رشد و رونق است. این‌جا مقر دولت خودمختار فلسطین است که حال خود را رسماً دولت فلسطین می‌نامد، و نیز مقر ادارات مرکزی تمام سازمان‌های غیردولتی (NGOها)ی خارجی، و سفارت‌خانه‌ها است. نه تنها خود شهر که در اطراف آن شهرک‌های فلسطینی با آپارتمان‌ها و خانه‌های بسیار گران‌قیمت در حال رشدند، بسیاری از سرمایه‌داران فلسطینی از غرب یا به رام‌الله کوچ کرده و یا در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. حتی پاره‌ای سرمایه‌داران فلسطینی

برای فرار از مالیات‌های سنگین اسرائیل، شرکت‌های خود را از اورشلیم به رام‌الله منتقل کرده‌اند.

رام‌الله چهره‌ی جدید فلسطین است با همه‌ی تناقض‌ها و ناهمسازی‌ها و جنبه‌های منفی و مثبت‌اش، و نیز با همه‌ی ویژگی‌های شهرهای مدرن؛ ساختمان‌های بزرگ، رستوران‌ها، هتل‌ها، بوتیک‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها و غیره. موقعیت متناقض رام‌الله در این است که هر ساختمانی که در این پایتخت برپا می‌شود، نمادی از پیشروی و گسترش فلسطین است، و از سوی دیگر میخی است بر تابوت پایتخت آرمانی فلسطین، یعنی اورشلیم شرقی، آرمانی که هر چه زمان از آن می‌گذرد، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود.

تناقض دیگر رام‌الله به ساکنان این شهر باز می‌گردد. رام‌الله عمدتاً شهر طبقه‌ی متوسط جدید است. این طبقه نظیر هر جامعه‌ی دیگری کادرهای حرفه‌ای پزشکی، حقوق‌دان، مهندس، معلم، کارمند دولتی و بخش خصوصی و غیره، و جمع عظیم روشنفکران و هنرمندان را در خود جای می‌دهد، کسانی که تحول جامعه‌ی مدرن بدون آن‌ها میسر نیست، و بسیاری از آن‌ها نیروی متفکر و ترقی‌خواه جامعه را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر بسیاری اقدار همین طبقه از هر جهت محافظه‌کار، سازشکار و تنها نگران منافع خود هستند.

نگرانی بخش وسیعی از ۱۵۵ هزار کارمند دولت فلسطین و ده‌ها هزار کارمند سازمان‌های غیردولتی، نظیر هم طبقه‌های خود در سایر نقاط جهان، حفظ شغل خود، خرید خانه، و تحصیل فرزندان شان است. بی‌تردید همگی از اشغال سرزمین‌شان به دست اسرائیل خشمگین و منزعجند، اما خواستار رویارویی جدی با آن نیستند. کاهش رادیکالیسم در جنبش فلسطین دلیل دومی نیز دارد که به تجربه‌ی وحشتناک شهروندان رام‌الله با اسرائیل در طول انتفاضه‌ی دوم مربوط است. با پیوستن رام‌الله به انتفاضه اسرائیل شهر را دوباره اشغال کرد، ساختمان‌های دولتی را با تانک ویران و آن‌ها را غارت کرد، شبکه‌ی برق را قطع کرد، و آب را بر روی شهر بست. در سال ۲۰۰۲ نیروهای اسرائیل خانه و محل کار یاسر عرفات را ویران کردند و تنها یک اتاق را برای حبس خانگی او نگه داشتند که تا آخرین سفر و مرگ مشکوکش در آنجا اقامت داشت. ساکنان رام‌الله نیز تجربه‌ی غزه را دارند که بعد از روی کار آمدن حماس، شهر غزه و بسیاری دهات بی‌دفاع مورد حمله‌ی بمبافکن‌ها و جنگنده‌های اف ۱۶ اسرائیل و بمب‌های فسفری قرار گرفت و ظرف چند روز بیش از ۱۶۰۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی و بی‌خانمان شدند.

به هر حال، همراه با تغییر شرایط اقتصادی، ترکیب طبقاتی جامعه فلسطینی نیز به سرعت در حال دگرگونی است. زمانی دهقانان 'فلاحین' درصد بزرگی از جمعیت را تشکیل می‌دادند، اما هم‌اکنون از کل جمعیت ۱۵ سال به بالا در کرانه‌ی غربی و غزه، تنها حدود ۵/۱۱ درصد به کشاورزی و ماهیگیری مشغول‌اند. کاهش زمین‌های کشاورزی بر اثر حضور نیروهای اشغالگر و رشد جاده‌ها و شهرها، و رشد وسیع بخش ساختمان و خدمات، سهم کشاورزان و بخش کشاورزی را کاهش داده است. بخش صنعت و ساخت‌وساز [۱] به خاطر سیاست‌های اسراییل و محدودیت‌های واردات مواد و قطعات کماکان محدود است و تنها کمتر از ۱۲ درصد در این بخش اشتغال دارند. بعد از بخش ساختمان (۴/۱۴ درصد)، و تجارت (۶/۱۹ درصد)، بزرگ‌ترین میزان اشتغال در بخش خدمات (۱/۳۶ درصد) متمرکز است.

عامل بسیار حساس و مهم دیگر جوانی و رشد سریع جمعیت است، به طوری که از ۵/۴ میلیون فلسطینی کرانه‌ی غربی و غزه، ۴۰ درصد زیر ۱۵ سال، و بیش از ۳۰ درصد بین ۱۵ تا ۲۹ ساله‌اند. به عبارت دیگر بیش از ۷۰ درصد جمعیت مناطق اشغالی زیر ۳۰ سال هستند. حدود یک میلیون و دویست هزار نفر یا حدود ۲۵ درصد جمعیت را دانش‌آموزان (کمی بیشتر دختر) تشکیل می‌دهند. بیش از ۱۸۵ هزار نفر (اکثراً دختر) نیز دانشجوی دانشگاه‌ها و کالج‌های فلسطینی هستند.

رادیکالیسم در میان جوانان به‌ویژه دانشجویان ادامه دارد، و بر حسب اوضاع و رویدادهای معین، درگیری‌های جدی پیش می‌آید، اما هیچ‌کدام نتوانسته و نمی‌تواند به‌خودی‌خود "بهار" فلسطینی را به ارمغان آورد. جریان‌ات سیاسی فلسطینی پراکنده و همگی از اعتبار افتاده‌اند. "شورای ملی فلسطین" (پارلمان) تعطیل است و چندین سال است که نشستی نداشته، چرا که حماس نمی‌تواند در آن شرکت کند. اما دلیل عمده‌تر آن است که همه‌ی جریان‌ات از انتخابات می‌ترسند. دوره‌ی ریاست جمهوری محمود عباس سال‌هاست که سر آمده، اما به خاطر شرایط اضطراری انتخاباتی در کار نیست. کنفرانس وحدت سازمان‌های فلسطینی در دانشگاه القدس که قبلاً درباره‌اش نوشتیم متأسفانه همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد به جایی نرسید.

"راه‌حل دو دولت" م‌رده، و "راه‌حل دولت واحد" ناممکن است

سردرگمی در مورد راه‌حل پایان بخشیدن به اشغال و صلح با اسراییل ادامه دارد. با ادامه‌ی سیاست‌های ظالمانه‌ی اسراییل از یک سو و ادامه‌ی اختلافات درونی فلسطینی‌ها از سوی دیگر، "راه‌حل دو دولت"

کاملاً بی‌اعتبار شده، و تعداد بیشتری از فلسطینی‌ها بر "راه‌حل دولت واحد" (اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در یک نظام واحد) تاکید می‌کنند. واقعیت تلخ این است که راه‌حل دو دولت مرده، و "راه‌حل دولت واحد" هرگز عملی نبوده و نخواهد بود. ادعای صهیونیست‌ها ایجاد کشور و دولتی خاص یهودیان بوده، و ایجاد یک کشور واحد در محدوده‌ی جغرافیایی کنونی اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی این خواست را به مخاطره می‌اندازد.

جمعیت کنونی ۵/۴ میلیونی کرانه‌ی غربی و غزه همراه با ۴/۱ میلیون جمعیت فلسطینی‌های داخل اسرائیل، کُل جمعیت فلسطین را به حدود شش میلیون، یا تا حدودی برابر جمعیت یهودی اسرائیل رسانده است. نرخ رشد جمعیت فلسطینی به مراتب بالاتر از نرخ رشد اسرائیل — به استثنای یهودیان اولترا ارتدکس — است. این بدان معنی است که در چند سال آینده، یهودیان اسرائیل اقلیت جمعیت را تشکیل خواهند داد، و واضح است که دست‌راستی‌های اسرائیل که قدرت را در دست دارند، و تمامی جهان غرب که حامیان آنها است، به راه‌حل دولت واحد تن نخواهند داد. فلسطینی‌ها که جز همدردی توده‌های بی‌قدرت جهان، حامی دیگری ندارند امکان تحمیل این راه‌حل را ندارند. از آن گذشته فلسطینی‌های خارج از مناطق اشغالی (حدود پنج میلیون در کشورهای عربی، و نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر در دیگر کشورها)، جز همبستگی آرمانی و شکایت کمک‌چندانی به فلسطین نمی‌کنند. پاره‌ای از آنها ثروتمندان بزرگی هستند، اما به‌جز ساختن ویلاهای تابستانی کاخ‌مانند در دهات قبلی خود، مثل جلجلیه، قدمی برای ایجاد زیرساخت‌های ضروری مانند بیمارستان و مدرسه و دانشگاه بر نمی‌دارند. بر این اساس است که فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی امکانات بسیار محدودی برای تحمیل خواست‌های خود دارند، و اسرائیل با حمایت آمریکا و اروپا فضای خود را گسترش می‌دهد و فضای فلسطین را تنگ و تنگ‌تر می‌کند.

جنبش جهانی تحریم اسرائیل و لغو سرمایه‌گذاری در آن (BDS)، به‌رغم رو به گسترش بودن و موفقیت‌هایی که در جلب حمایت افکار عمومی جهان بر علیه سیاست‌های مخرب و ظالمانه‌ی اسرائیل داشته، نمی‌تواند نقش مشابهی را که در آفریقای جنوبی دوران آپارتاید بازی کرد، ایفا کند، چرا که قسمت اعظم کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها در اسرائیل را دولت‌ها و شرکت‌های امپریالیستی و جریان‌ات افراطی یهودی و مسیحی انجام می‌دهند، و آنها به‌رغم ترسی که از گسترش این جنبش مترقی تحریم دارند، توجهی به خواست‌های آن نمی‌کنند. پیوستن

فلسطین به نهادهای بین المللی، که محمود عباس در آوریل همین سال اسناد آن را امضا کرد، و حتی پیوستن به سازمان ملل به عنوان یک عضو کامل، با آنکه فشار بر اسرائیل را به شدت افزایش خواهد داد، به خودی خود اسرائیل را وادار به یک صلح عادلانه و پذیرش یک دولت واقعی فلسطینی نخواهد کرد.

مشکل این است که مبارزه‌ای غیر رادیکال نیروهای راست اسرائیل را وادار به پذیرش خواست های عادلانه فلسطینی‌ها نمی‌کند، و از سوی دیگر مبارزه‌ی رادیکال، نظیر آنچه که در انتفاضه‌ی دوم رخ داد، اسرائیل را خشن‌تر می‌کند و این کشور به ویرانگری وحشتناک دست خواهد زد.

یک راه وارد کردن فشار جدی به اسرائیل از سوی دولت فلسطین می‌تواند این باشد که پس از تعیین یک ضرب‌الاجل برای تأمین خواست‌های واقع‌بینانه اش، از جمله بازگشت به مرزهای قبل از ۱۹۶۷، دولت فلسطین را منحل اعلام کند. تعطیلی دولت فلسطین قطعاً اسرائیل را با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌کند. گفتنی است که از مجموع ۱۵۵ هزار کارمند دولت فلسطین، ۶۶ هزار نفر، یا نزدیک به ۴۲ درصد، در بخش‌های امنیتی و پلیس مشغول‌اند. بخش وسیعی از کمک‌های اغلب کشورهای خارجی به دولت فلسطین نیز به این بخش مربوط می‌شود، که هدف آن در واقع تأمین امنیت مرزهای اسرائیل و شهرک‌ها و تاسیسات اسرائیل در کرانه‌ی غربی است. از کار انداختن این بخش وسیع ناامنی را به شدت افزایش می‌دهد. اما بر کنار از آنکه، صدها هزار خانوادگی فلسطینی، اعم از کارمندان دولت و کارکنان سازمان‌های غیردولتی — که وجودشان همگی مشروط به رابطه‌ی دولت فلسطین و اسرائیل است — بیکار می‌شوند و اقتصاد فلسطین نیز ساقط می‌شود، این عمل به تهاجم بیشتر اسرائیل خواهد انجامید. قبل از هر چیز، اسرائیل رام‌الله را خفه کرده، آب و برق را قطع می‌کند، و راه‌های ورود و خروج را می‌بندد. اگر غزه به خاطر متصل بودن به صحرای سینا توانست قهرمانانه از طریق کندن هزاران تونل زیرزمینی راه تنفسی پیدا کند، رام‌الله چنین امکانی را نخواهد داشت. اگر هم اهالی رام‌الله به خشونت دست زنند، اسرائیل رام‌الله را بمباران خواهد کرد، و هر آنچه که ساخته شده نابود می‌کند و جهان نیز ساکت خواهد ماند.

این راه‌حل فرضی را با یک از دوستان بانفوذ فلسطینی مطرح کردم. علاوه بر تأیید صدماتی که در بالا اشاره کردم، نکته‌ی مهم دیگری را نیز مطرح کرد. به اعتقاد او ایجاد چنین بحرانی سبب می‌شود که قسمت اعظم نیروی فنی، علمی و حرفه‌ای فلسطین که با چه مشقتی در این

چندساله تربیت شده‌اند، از دست بروند و اغلب آن‌ها به دیگر کشورهای عربی، به‌ویژه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس کوچ کنند، و بدون آن‌ها فلسطین کوچک‌ترین شانس برای استقرار یک جامعه‌ی پیشرونده خواهد داشت.

مسئله این است که با ناهمسازی‌ها و پیچیدگی‌های فراوان، فلسطین در رویارویی بسیار نابرابر با اسرائیل قرار دارد و چاره‌ای ندارد که همزمان با تلاش برای وحدت عمل در جهت مبارزه برای پایان بخشیدن به اشغال کرانه‌ی غربی و رفع محاصره‌ی غزه، از هر فرصت برای تقویت جامعه‌ی خود و ایجاد نهادهای مدرن استفاده کند، سطح آموزش و توان فنی و علمی خود را بالا برد، و بخش وسیع‌تری از فلسطینی‌های خارج از سرزمین‌های اشغالی را به خود جلب کند. با این اعتقاد بود که من پیشنهاد وزیر خدمات امور اداری و استخدامی فلسطین (دیوان الموظفين العام) را برای کمک به ایجاد مدرسه‌ی عالی مدیریت دولتی فلسطین، بی هیچ تردیدی پذیرفتم. سفر اخیر در همین زمینه انجام شد و نخستین گام‌های اساسی در ایجاد این نهاد آموزشی مهم که مدیران و کارمندان وزارتخانه‌ها و دیگر نهادهای خدماتی (و نه امنیتی) دولت فلسطین را تربیت خواهد کرد، برداشته شد.

در میان تمامی این ناهمسازی‌ها و مشکلات و محدودیت‌ها، فلسطین با اراده‌ی آهنین مردمش، به‌ویژه جوانانش شانس این را دارد که حتی در یک "راه حل یک و نیم دولتی" که قبلاً در دو مقاله‌ی "جنبش فلسطین در سراشیبی"، و "سرزمین و جنبش فلسطین کماکان تحلیل می‌روند" درباره‌ی آن نوشته‌ام، و متأسفانه به آن تحمیل خواهد شد، خود را حفظ و بازسازی کند. صلح واقعی و استقرار یک دولت واقعی فلسطینی زمانی عملی می‌شود که همراه با ادامه مبارزه واقع بینانه و متحد جریان‌های مختلف فلسطینی، با حمایت نیروهای مترقی و چپ اسرائیل و جهان، نیروهای راست اسرائیلی ناچار به عقب‌نشینی شوند، و یک دولت اسرائیلی طرفدار صلح با حمایت یک دولت مترقی فلسطینی صلحی واقعی و پایدار را به‌وجود آورند.

سعید رهنما استاد علوم سیاسی و سیاست‌گذاری دولتی در دانشگاه یورک کانادا است